

«معامله بزرگ قرن» ترامپ-ناتانیاهو، محصول توازن قوا در جهان و منطقه

با شکست اتحاد جماهیر شوروی جهان ماکه با تعرض افسارگسیخته نظری و عملی سرمایه داری به دست آوردهای جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی مترقی روبرو شد و جنبشهای ارتجاعی مذهبی و ناسیونالیستی، نژادپرست و ارتجاعی پرچمدار میدان شدند. جنبش انقلابی و رهائی بخش فلسطین نیز دچار تحولات درونی شد. از یک طرف رهبری این جنبشها از آرمانهای آزادیخواهانه و عدالت طلبانه بر پایه نیروی اجتماعی زحمتکش و محرومان و آوارگان ریل عوض کرده و منافع تجار و معامله گران فلسطینی که با هزار رشته مرعی و نامرعی به ارتجاع عرب و اسرائیل وصل میشدند، راهنمای خود قرار دادند و بر اساس آن به خط سازش و فساد و استفاده از رانت های مختلف کشیده شدند و از سوی دیگر جریانهای ارتجاعی مذهبی، نظیر حماس و جمهوری اسلامی غیره ایجاد تقویت و به بهانه دفاع از حق فلسطینیان به میدان آمدند. چنین ترکیبی در شرایط تغییر توازن قوا در جهان و شرایط اقتصادی اجتماعی و زیستی توده های عظیم اعراب فلسطین و به روی کار آمدن نژادپرست ترین دولت در اسرائیل و آمریکا و.. نمیتوانست نتیجه ای جز آنچه که ترامپ آنرا «توافق قرن» مینامد، بیارورد.

مضمون «توافقنامه قرن» بین هیئت حاکمه امپریالیسم آمریکا و دولت نژادپرست و مذهبی اسرائیل، در غیاب حتی یک نماینده از سوی دولت «خودگران» -بخوان سرگردان فلسطینی-، محصول شرایطی از توازن قوا است که بر جهان کنونی ما حاکم است.

زحمتکش معترض فلسطینی در اعتراض به این تصمیم یکطرفه و از بالای ترامپ-ناتانیاهو، شعار میدهند که «ترامپ فلسطین مال تو نیست که آن را بفروشی!» ترامپ جواب میدهد «با شروط ما موافقت کنید، در غیر این صورت، از داشتن کشور بطور کلی محروم خواهید شد!»

زحمتکش و آوارگان فلسطین باید از خود بپرسند مگر درباره سرنوشت کشورهای ظاهرا مستقلی نظیر عراق، لیبی، سوریه، افغانستان و غیره چه کسانی تصمیم گیرنده نهائی هستند؟! که در فلسطین اشغالی با وجود رهبران مرتجع که هر کدام بر بخشی از آن فرمان میرانند و اساسا هیچکدام منافع اقتصادی اجتماعی پایه ای توده های زحمتکش را نمایندگی نمیکند، بخواهند و یا بتوانند خارج از توافقات و تمایلات کشورهای امپریالیستی و بند و بست های دول مرتجع عرب و اسرائیل، مستقلا تصمیم بگیرند و در این تصمیم منافع توده های عظیم زحمتکش ساکن فلسطین چه مسلمان و چه یهودی و مسیحی و میلیونها آواره و غیره را مد نظر قرار دهند و نه منافع باند های صاحب ثروت را!!

در طرح ترامپ -ناتان یاهو، در واقع نه تنها وضعیت موجود و سرزمینهای که بزور اشغال شده است و میلیونها آواره از خانه و زندگیشان رانده شده اند به رسمیت شناخته شده است، بلکه این طرح و تصمیم اشغالگریهای دیگری را هم در دستور گذاشته و فلسطینیان باقیمانده را هم در مناطق مختلف دوزخ هم، تحت کنترل و نظارت دولت اسرائیل به بند و زنجیر محکمتری خواهند کشید تا در بهترین حالت بدون برخورداری از حق و حقوق شهروندی به اردوگاه های تحت محاصره ای شباهت خواهند داشت که ساکنان تحت کنترل آن با فروش ارزان نیروی کار خود به اقتصاد سرمایه داران یهودی و شرکای خارجی آنها سود برسانند.

به روی میز گذاشتن جنین طرحی صد البته به گسترش دامنه بی ثباتی در منطقه نیز خواهد انجامید که بنوبه خود حضور نیروهای نظامی و امنیتی دول امپریالیستی در منطقه و فروش جنگ افزارهای کمپانیهای چند ملیتی را توجیه خواهد کرد.

«توافق نامه قرن» ادعائی ترامپ - ناتانیاهو، در واقع امر بیان واقعی توازن قوائی است که جزبا شکل گیری و زنده شدن دوباره جنبشهای اجتماعی قوی توده ای کارگری و سوسیالیستی و آزادیخواهانه توده های زحمتکش منطقه، از جمله ساکنان فلسطین، راه چاره دیگری برای تغییر آن متصور نیست . تلاش برای ارتقاء سطح آگاهی دموکراتیک و سوسیالیستی توده های کارگر و زحمتکش سرزمینهای فلسطین و کمک به سازمانیابی آنها و نیز تلاش نظری و عملی برای پایان دادن به تفاوت های مذهبی و قومی و قبیله ای تحمیلی امپریالیستها ، دولت نژادپرست اسرائیل و دول مرتجع منطقه که بمنظور تحکیم سلطه خود و به بند کشیدن توده های زحمتکش مردم رواج داده میشوند، از جمله وظایف و راه کارهایی است که میتواند توازن قوا را به نفع رهایی توده های زحمتکش مردم فلسطین تغییر دهد.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست دهم بهمن ماه ۱۳۹۸